

تنش گسترده در عراق و پی‌گیری نقشه‌ خاورمیانه بزرگ!

چند وقتی ست که بر ناهنجاری‌ها و بر بی‌قاعدگی‌های سیاسی عراق افزوده شده است. دلیل اصلی آن به سیاست‌های چپاول‌گرایانه سرمایه‌داران بین‌المللی بر می‌گردد. طعم دمکراسی "اعطاء" شده‌ی دهه‌ی گذشته از مشام میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش دریند، از بین نرفته است که اخیراً، جامعه‌ی عراق شاهد عروج دسته‌جات مسلح و جانی دولت اسلامی عراق و شام، موسوم به "داعش" بوده است. تصرف گام به گام بعضاً شهرها و مناطق تحت تسلط دولت عراق و کُشتار بی‌رحمانه‌ی مردم، حکایت از رخداد تازه‌ای در عراق تخریب شده دارد. این دُور جدید تنش و برقراری نظم نوین جهانی دل‌بخوای امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیزم امریکا در چهارچوبه‌ی "برقراری خاورمیانه بزرگ" است. هدف، تقسیم، تکه پاره نمودن و تجزیه کشورهای هم‌چون عراق است. تکه پاره و در هم ریخته گی قومی - قبیله‌ای که، این بار تجلی خود را در سرزمین آتش و خون و در سرزمین تحت سیطره‌ی دولت‌های امپریالیستی و حامیان‌شان، به‌نمایش گذاشته است.

حقیقتاً که اسناد و تحرکات بسیار زیادی در این چند دهه پیرامون سر در آوردن جریانات و نهادهای وابسته به سرمایه وجود دارد و دنیای انسانی و بویژه منطقه‌ی خاورمیانه، اصلاً و ابداً با عروج فی‌البداهه‌ی این‌دست نیروها و دسته‌جات مسلح و ارتجاعی بیگانه نیست؛ نیروها و دسته‌جاتی که هدف و نیت اساسی‌شان، تخطئه‌ی جنبش‌های اعتراضی و هم‌چنین، هموار نمودن هر چه بیش‌تر چپاول‌گری حاکمان بین‌المللی‌ست. و فراموش نه شده و از یادها نرفته است که چگونه طالبان در افغانستان و آن‌هم در دُوره‌ای بر مسند قدرت تکیه زد و بر دامنه‌ی تجر و بر فقر و نداری میلیون‌ها انسان دریند فرود؛ از یادها نرفته است که چگونه نیروهای کُرد عراقی و هم‌چنین با کدامین تسلیحات نظامی و حمایتی، شمال این‌کشور را گام به گام، تحت تصرف خود در آوردند و در مدتی کوتاه و به یاری دیگر عناصر و نیروهای وابسته به سرمایه، صدام را از کار بر کنار نمودند؛ از یاد نرفته است که چگونه نیروهای مسلح و وابسته به سرمایه‌های بین‌المللی، شالوده‌ی زنده‌گانی مردم لیبی و سوریه را از هم پاشاندند و هزاران انسان بی‌دفاع را به مسلخ مرگ کشانده‌اند و میلیون‌ها تن دیگر را از خانه و کاشانه‌ی‌شان آواره نموده‌اند.

باری بروز چنین رخ‌دادهای فاجعه‌بار و غم‌انگیز نایاب نیستند و جهان و بویژه مردم منطقه‌ی خاورمیانه نه تنها در گذشته شاهد عروج و قدرت‌گیری این‌گونه تجمعات و نیروهای مسلح و ارتجاعی بوده‌اند، بلکه در آینده هم، نظاره‌گر دسته‌جات مسلح و ارتجاعی وابسته به سرمایه و آن‌هم با شکل و شمایل دیگری خواهند بود. این آن دنیائی ست که سرمایه‌داران در پی آنند و با وحشی‌گری تمام، دارند سرنوشت کارگران و زحمت‌کشان جهان و منطقه‌ی خاورمیانه را رقم می‌زنند. تعرض به بی‌قوله‌های توده‌های محروم و راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی، از یک‌طرف دارد جان تازه‌ای به حاکمان و منفعت‌طلبان می‌دهد و از طرف دیگر دارد، دامنه و میدان تعرضات رادیکال افشار محروم جامعه را محدود و محدودتر می‌سازد. اساساً سرمایه‌داران، مخالف امنیت و آسایش جامعه و زنده‌گانی مردماند و بی‌دلیل و بی‌مناسبت هم نیست که سیاست راه‌اندازی جنگ گسترده‌تر و وسیع‌تر، و هم‌چنین آواره گی هر چه بیش‌تر مردم را، در سر لوحه‌ی کار خود قرار داده‌اند. به بیانی حقیقی گسیل گله‌وار دسته‌جات مسلح و مرتجع‌ای هم‌چون داعش، در پاسخ به ضرورت‌ها و در پاسخ به نیازهای امروزی سرمایه‌داران بین‌المللی ست. می‌دانند و بر این ایده‌اند که کوچاندن مردم از خانه و کاشانه‌ی‌شان، دامنه‌ی اعتراضات علنی و سازمان‌یافته‌ی رادیکال را، محدود و انقلابات احتمالی را به عقب خواهد انداخت. بر مبنای چنین منفعت و

سیاستی ست که دارند تصاویر سیاسی جوامعی متفاوت را این‌گونه ترسیم می‌نمایند و نیروها، دسته‌جات و عناصر وابسته به‌خود را به جان مردم می‌اندازند.

متأسفانه چنین سیاستِ مخرب‌زا و دردناک، بر کل منطقه‌ی خاورمیانه سیطره انداخته است و روز به روز دارد هزاران انسان را کوچ می‌دهد و جان هزاران تن دیگر را می‌گیرد.

در یک کلام و پُر واضح است که پی‌گیری سیاست تحریب، راه‌اندازی دسته‌جات مسلح و ارتجاعی در خدمت به جهان انسانی نیست و دنیای بشریت، نیاز به تغییر سیاستِ حاکم و هم‌چنین، نیاز به پس زدن تمامی دسته‌جات وابسته و مسلحی سرمایه از جان و مال کارگران و زحمت‌کشان دارد؛ نیاز به بر طرفی نقصان‌ها و پُر نمودن تپه چاله‌های جنبش‌های اعتراضی و رادیکال دارد؛ نیاز به تغییر تصاویر به رسم شده‌ی کنونی سرمایه‌داران بین‌المللی دارد؛ نیاز به عروج و عرض اندام سازمان‌های کمونیستی سالم و متعلق به مردم دارد؛ سازمان‌ها و نیروهای کمونیستی‌ای که در تقابل با تعرضات بی‌شمار و مخرب‌زای دشمنان کارگران و زحمت‌کشان ایستاده‌گی نموده و یکی پس از دیگری را به جایگاه حقیقی‌شان پرتاب نمایند. چرا که داعش و همه‌ی حاکمین منطقه‌ی خاورمیانه دارند از آب‌شخور واحدی تغذیه می‌شوند و هیچ‌یک از آنان تفاوت ماهوی‌ای با دیگری نداشته و نه‌دارند.

با این اوصاف نه دولت‌مردان عراق مدافعی مردماند و نه دسته‌جات مسلح و متفاوتی هم‌چون داعش. جنگِ تضاد منافع بر سر سهم‌خواهی هر چه بیشتر و هم‌چنین روان‌تر نمودن سیاست‌های امپریالیستی در منطقه است و مسلم است که، علم شدن دسته‌جات مسلح و ارتجاعی‌ای هم‌چون داعش، با توافق و با هدایت بی‌چون و چرای امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیسم امریکا ست. این دست، دسته‌جات و جریان‌ات، دست سازاند و وظیفه‌ی شان پی‌گیری نقشه‌های شوم قدرت‌مدارات بین‌المللی در منطقه‌ی خاورمیانه است. داعش پی‌گیر همان برنامه و سیاستی ست که طالبان و القاعده و النصر و الشباب‌اند و به‌عینه دریافت شده است که عروج و حکمیت این‌گونه دسته‌جات و آن هم در دُوره‌های متفاوت، بر ناهنجاری‌ها و بر فلاکت توده‌های محروم افزوده است و زیر ساخت‌های جامعه را به مسیر نابودی سوق داده است. بنابر این تحرک آنان نه تنها ربطی به خواسته‌های پامال شده‌ی مردم محروم نه‌دارد، بلکه رسالت‌شان گسترده‌گی ناامنی‌ها و پی‌گیری سیاست‌های شوم امپریالیست‌ها در منطقه است.

یگانه راه و علاج کار، در سد نمودن راه و روش دسته‌جات وابسته و مسلح‌ای هم‌چون داعش، و هم‌چنین در عروج سازمان‌ها و نیروهای کمونیستی سالم، عمل‌گرا و با برنامه می‌باشد؛ سازمان‌ها و نیروهای عمل‌گرانی که نقشه‌های شوم امپریالیست‌ها را عقیم سازند و جامعه را از شر سودجویان و تمامی دسته‌جات مسلح و ارتجاعی پاک نمایند.

مندرج در نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۲۲، تیر ۱۳۹۳

بازگشت